

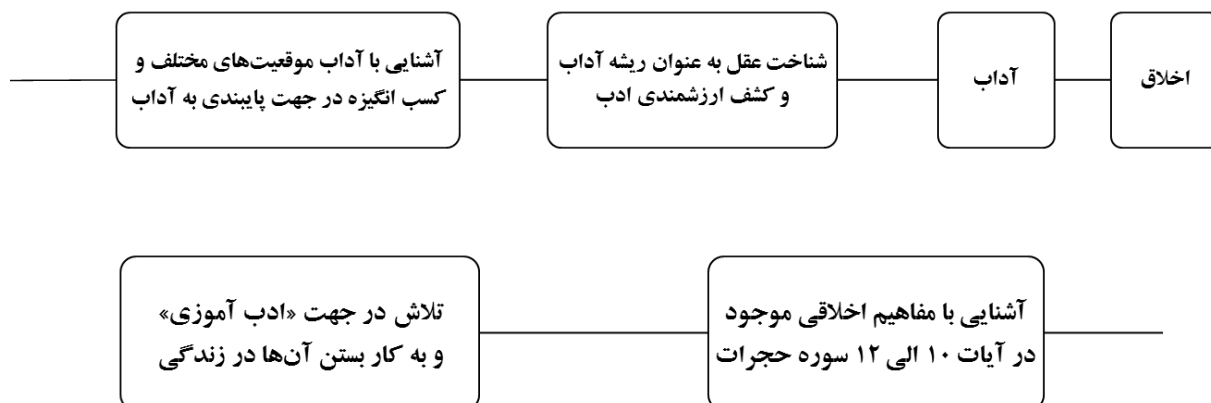
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(۱) شناسنامه‌ی طرح درس

۱۰- آداب زندگی

حوزه‌ی هدف: اخلاق		کد طرح درس:	
پایه: ششم دبستان	متن درسی: درس ۱۰	ماه: هفته:	مدّت: ۴ جلسه
کتاب هدیه‌های آسمان			
اجزای طرح درس: تعداد مراحل: (۶)		فعالیت منزل: ارزشیابی: ✓ دانش‌افزایی: ✓	
وسایل مورد نیاز:			
اهداف / پیامدها:			
در فرایند تدریس و تا پایان آن، انتظار می‌رود دانش‌آموزان:			
۱. با توجه به احکام عقل در حسن ادب و قبح بی‌ادبی، متذکر به روشنگری عقل خود گردند.			
۲. با دانستن اثر اعمال خوب و بد بر افزایش و کاهش نور عقل، به اهمیت رعایت ادب پی ببرند و برای رعایت آداب انگیزه بیشتری پیدا کنند.			
۳. با شناخت بی‌ادبی به عنوان یکی از نشانه‌های کم‌عقلی یا بی‌عقلی، بی‌حیایی و پررو بودن را امری قبیح تلقی کنند و سعی در پرهیز از آن داشته باشند.			
۴. با آدابی که در موقعیت‌های مختلف باید رعایت کرد آشنا شده و برای عمل به آن‌ها تمایل نشان دهند. (این آداب شامل ادب در مهمانی، ادب در خلوت، ادب در کوچه و خیابان، ادب مقابل بزرگ‌تر، ادب در برابر کوچک‌تر، ادب در مکالمه‌ی تلفنی می‌باشند).			
۵. با چند نمونه از آموزه‌های اخلاقی قرآن (سوره حجرات، آیات ۱۰ الی ۱۲) آشنا شوند و سعی در به کارگیری آن‌ها داشته باشند.			
درس در یک نگاه:			
سرچشمه‌ی اصلی ادب، عقل است. انسان عاقل مؤدب بودن را امری نیکو می‌داند و به دلالت عقل، در پی یادگیری آداب می‌رود.			
در این طرح درس بچه‌ها با متذکر شدن به رابطه‌ی عقل و ادب به ارزشمندی ادب و قبح بی‌ادبی پی می‌برند که این موضوع انگیزه‌ای جهت یادگیری و التزام به آداب خواهد بود. از طیف گسترده آداب، ۶ ادب انتخاب شده تا بچه‌ها در قالب کارگروهی به کاوش پیرامون مصادیق آن‌ها بپردازند. هر گروه نتایج کار خود را بر روی میوه و برگ‌هایی کاغذی ثبت می‌کند تا بعد از ارائه‌ی در کلاس، آن‌ها را به درخت آداب نصب کند. این درخت نمادی از جمله‌ی امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که فرمودند: «ادب در انسان مانند درختی است که ریشه‌اش عقل است». [۱] مرحله بعدی طرح درس، ارائه‌ی آموزه‌های اخلاقی موجود در آیات ۱۰ الی ۱۲ سوره حجرات به کمک پاورپوینت است. به امید آنکه بتوانیم در پرتو قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام) قدمی در راه تربیت ارزش مدار فرزندانمان برداریم.			

نقشه مفهومی:



(۲) مراحل اجرای طرح درس

مدت اجرا: ۵ دقیقه	محل اجرا: کلاس	مرحله: (۱) طرح ورودی
	روش اجرا: بازی	مجری: مربی
بیمالات زیر را برای بچه‌ها بفوانید. از آن‌ها بخواهید در مورد هر جمله فکر کنند. اگر کار فوب و پسندیده‌ای بود دست خود را بالا ببرند و اگر بد و ناپسند بود، دست خود را روی سر بگذارند. ۱- به احترام ورود بزرگتر از جا بلند شد. ۲- وسط حرف بقیه مرتب می‌پريد. ۳- به خاطر گرفتن هدیه تشکر کرد. ۴- در یک جمع سه نفری، با یک نفر در گوشی حرف می‌زد و می‌خندید. ۵- وقتی متوجه اشتباه او شد بلند خندید و دیگران را هم متوجه قضیه کرد. ۶- هر کدام از مهمانان که وارد می‌شدند جلو می‌رفت و مؤدبانه سلام می‌کرد. ۷- با نسبت دادن لقب زشت، به دوستش توهین کرد. ۸- در پایان مهمانی از زحمات صاحبخانه بسیار تشکر کرد. ۹- عصبانی شد و شروع کرد به پرخاشگری نسبت به مادرش.		
مدت اجرا: ۱۰ دقیقه	محل اجرا: کلاس	مرحله: (۲)
	روش اجرا: پرسش و پاسخ	مجری: مربی
بچه‌ها، چرا همه‌ی شما نظرات یکسانی در مورد خوبی یا بدی این کارها داشتید؟... چرا با هم اختلاف نظر نداشتید؟... مثلاً چرا تشکر از کسی که به شما هدیه داده کار خوبی است؟... خب دلش خواسته هدیه بدهد، چرا شما تشکر می‌کنی؟!... یا چرا خنده‌ی تمسخر آمیز کار بدی است؟... چرا در حکم به خوبی آن کار و بدی این کار، هم عقیده هستید؟...		

چه چیز مشترکی در شما وجود دارد که باعث شده نظرات یکسانی بدهید؟... بله چون عقل شما این حکم را داده است. برای همه‌ی شما مثل روز روشن است که خنده تمسخر آمیز بد است و دیگر چرا ندارد!

آیا در یک اتاق تاریک لباس تمیز از لباس کثیف قابل تشخیص است؟... خیر. اگر چراغ روشن شود چی؟... بله. عقل هم مثل چراغ است که به کمک نور آن، خوبی و بدی کارها را می‌فهمیم.*

شما چون عاقلید همگی رأی بر بد بودن عصبانیت و پر خاشگری نسبت به والدین را دادید. اگر کسی بگوید: نه، چرا کار بدی است؟ من بدی آن را نمی‌فهمم! شما چه می‌گویید؟... بله، در درستی عقلش شک می‌کنیم. یاد بچه‌های کوچکی می‌افتیم که هنوز عقل رس نشده اند و ممکن است چنین کارهایی از آن‌ها سر بزنند!

حالا خود را در اتاقی فرض کنید که لامپی روشن است و شما به کمک نور لامپ همه جا را به خوبی می‌بینید. اگر عینک دودی به چشم بزنید چه اتفاقی می‌افتد؟... نور کمتری به چشم شما می‌رسد و مثل قبل نمی‌توانید خوب و شفاف ببینید. جالب است که بدانید بعضی کارها مثل عینک دودی هستند. اگر آن‌ها را انجام بدهیم باعث می‌شود دیگر نتوانیم به خوبی از نور عقل استفاده کنیم. در نتیجه قدرت تشخیص خوب از بد در ما کم می‌شود.

به نظر شما چه کارهایی این اثر منفی را روی ما دارند؟... بله همان کارهایی که عقل می‌گوید بد است، نکن، زشت است، گناه است، بی‌ادبی است.

چه نمونه‌هایی از بی‌ادبی را که عقل گفت نکن، بد است را اول کلاس خواندم؟... مسخره کردن، توهین کردن، پر خاشگری کردن و...

گفتیم این بی‌ادبی‌ها چه اثری روی ما می‌گذارند؟... آفرین، استفاده ما را از نور عقل کم می‌کنند.

پس هر که بی‌ادب‌تر و پرروتر باشد، کم عقل‌تر است.

از آن طرف فکر می‌کنید پایبند بودن به آداب چه اثری روی ما دارد؟... بله. باعث می‌شود استفاده بیشتری از نور عقل ببریم و عاقل‌تر باشیم.

البته همه‌ی این حرف‌ها مال کسی است که از نعمت عقل بهره‌مند باشد. آیا شما از یک آدم دیوانه توقع ادب دارید؟... نه. چرا؟... چون عقلی در کار نیست که بخواهد ادبی از آن خارج شود. به این جمله‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام خوب توجه بفرمایید: «ادب در انسان مانند درختی است که ریشه‌اش عقل است.»

این جمله‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام را روی تخته بنویسید و فرصت دهید تا بچه‌ها در مورد آن گفت‌وگو کنند.

اگر این ریشه خشکیده باشد، چه اتفاقی می‌افتد؟... بله همان دیوانه‌ای می‌شود که کسی توقع ادب از او ندارد. هر چه ریشه‌ها عمیق‌تر و قوی‌تر باشند چه اثری دارد؟... درخت پر بارتر و سرسبزتر و پر میوه‌تر است.**

* بحث عقل در پایه چهارم در درس ۷ (به جای دشنام) طرح شده است.

** جا انداختن مفاهیم مطرح شده در این مرحله یکی از اهداف مهم درس می‌باشد. پس بعد از طرح کردن هر یک از سؤالات زمان دهید تا بچه‌ها پاسخ دهند و آن‌ها را هدایت کنید تا نهایتاً به پاسخ صحیح برسند.

مدت اجرا: ۵ دقیقه	محل اجرا: کلاس	مرحله: (۳)
	روش اجرا: ارائه مستقیم	مجری: مربی
ما در زندگی صحنه‌های مختلفی را تجربه می‌کنیم. گاهی تنها هستیم و گاهی در جمع، مثل جمع خانوادگی یا در یک مهمانی. گاهی با بزرگ‌تر از خودمان طرفیم. گاهی با کوچک‌تر مثل خواهر و برادر کوچک‌تر. گاهی مخاطب خود را از نزدیک می‌بینیم و گاهی نمی‌بینیم مثل وقتی که با تلفن صحبت می‌کنیم. هر کدام از این‌ها، آداب خاص خود را دارد. خوب است ما در همه‌ی این موقعیت‌ها، آداب آن‌ها را تشخیص دهیم و به آن‌ها توجه کنیم. حالا جمله امیرالمؤمنین (علیه السلام) را یک بار با هم بخوانید ... کار امروز ما بر اساس این جمله‌ی امیرالمؤمنین (علیه السلام) است. می‌خواهیم درخت ادب درست کنیم؛ درختی که روی میوه‌های آن آداب مختلفی نوشته شده است.		
مدت اجرا: ۶۰ دقیقه	محل اجرا: کلاس	مرحله: (۴)
	روش اجرا: کار گروهی	مجری: مربی
سفنی با مربی: هدف نهایی از انجام این مرحله از طرح درس، تهیه میوه‌ها و برگ‌های درخت آداب است که روی آن‌ها آداب مختلفی توسط بچه‌ها نوشته شده است. این آداب مربوط به شش موقعیت مختلف می‌باشد. برای مشفص شدن موقعیت مربوط به هر گروه، فعالیت با استفاده از متن کتاب درسی طراحی شده است که بعد از رمزگشایی معلوم می‌شود هر گروه کدام پاکت موقعیت را بردارد. در هر پاکت ۴ مورد از مهم‌ترین آداب مربوط به آن موقعیت موجود است و سایر آداب هم توسط همفکری و مشورت اعضای هر گروه لیست فواید شد. نهایتاً گروه‌ها میوه و برگ خود را با کاغذ رنگی درست کرده و آداب را روی آن‌ها می‌نویسند. مراحل کار گروهی به شرح زیر است: ۱. بچه‌ها را به ۶ گروه تقسیم کنید. ۲. ۶ پاکت تهیه کنید. پشت هر کدام از آن‌ها یکی از عناوین اصلی آداب را بپسبانبید: (ادب در مهمانی، ادب در خلوت، ادب در کوچه و فیابان، ادب مقابل بزرگ‌تر، ادب در برابر کوچک‌تر، ادب در مکالمه‌ی تلفنی) داخل پاکت ۴ کارتی که مربوط به مصداق ادب مورد نظر می‌باشند را قرار دهید. (پیوست شماره ۱) پاکت‌ها را روی میز بپنید. ۳. برای این که معلوم شود هر پاکت متعلق به کدام گروه می‌باشد فعالیت زیر را انجام دهید: ✓ متن درس «آداب زندگی» در کلاس خوانده شود. ✓ ۶ برگه موجود در پیوست شماره ۲ را بین گروه‌ها تقسیم کنید. ✓ در هر برگه جمله‌ای از جملات درس «آداب زندگی» نوشته شده است. هر گروه با انجام فعالیت شرح داده شده در برگه‌ی خود فواید فهمید که کدام پاکت را باید از روی میز بردارد. (هر گروه در ابتدا باید هروف متن موجود در برگه خود را به ترتیب در جاهای تعیین شده بنویسد. سپس شروع به کزگزاری کند به این شکل که زیر حرف اول عدد ۱، زیر حرف دوم عدد ۲، زیر حرف سوم عدد ۳، و ... را بنویسد. اما هر جا که حرف تکراری وجود داشت همان کر قبلی نوشته شود) ۴. گروه‌ها مفتوی پاکت خود را به دقت بفوانند و سایر مصداق ادب مورد نظر را با همفکری و مشورت با هم تعیین و در برگه‌ای یادداشت کنند. نیاز است مفتوی این برگه توسط معلم بررسی گردد. ۵. برای درست کردن میوه‌های درخت ادب مراحل زیر باید طی شود: ✓ هر گروه یکی از الگوهای میوه موجود در پیوست شماره ۳ را به همراه کاغذ رنگی مرتبط با آن انتخاب کند و از		

روی الگو ۴ عدد برش دهد. ✓ روی هر برگه‌ی برش فورده یکی از مصداق ادب موجود در پاکت با فطی درشت و فوانا نوشته شود. سپس برگه‌های میوه از وسط تا شود طوری که نوشته در داخل برگه تا فورده قرار گرفته باشد. ✓ پشت برگه‌های میوه چسب زده و نیمه سمت چپ هر برگه به نیمه سمت راست برگه‌ای دیگر چسبانده شود تا نهایتاً میوه هم در آماده گردد. (نمونه‌هایی از تصاویر این میوه‌ها در CD باران موجود است) ✓ یک سر کاموایی به طول حدود ۱۰ سانتی متر بر مرکز میوه چسبانده شود تا بعداً از آن برای نصب میوه به درفت آداب، استفاده گردد. ✓ هر گروه از کاغذی سبز رنگ یک یا دو برگ برش دهند و مصداق‌های آداب را که قبلاً یادداشت کرده بودند و توسط معلم بررسی شده روی آن بنویسند.		
مرحله: (۵)	محل اجرا: کلاس	مدت اجرا: ۳۰ دقیقه
مجری: مربی	روش اجرا: ارائه گروهی	
سومین و چهارمین جلسه تدریس: به هر گروه فرصت دهید تا آداب مربوط به موقعیت خود را (با راهنمایی و کمک معلم*) در کلاس تدریس و روی مصداق آن گفتگویی داشته باشند. سپس معمول کار خود را به درفتی که قبلاً از مقوا یا یونولیت یا... در ساینز متناسب با میوه‌ها توسط معلم مفترم ساخته شده است (پیوست شماره ۴) نصب کنند.		
مرحله: (۶) تدبیر کنیم	محل اجرا: کلاس	مدت اجرا: ۳۰ دقیقه
مجری: مربی	روش اجرا: ارائه پاورپوینت و گفتگو	
پاورپوینت مربوط به آیات ۱۰ الی ۱۲ سوره مبررات را ارائه دهید. [۲] این پاورپوینت در CD باران موجود است. **		

۳) فعالیت منزل

زمان لازم:	زمان تحویل تکلیف:
متن تکلیف:	توضیح تکلیف:

۴) ارزشیابی

زمان لازم:	زمان اجرای ارزیابی:
روش ارزیابی:	توضیح ارزیابی:

* نباید بچه‌ها مطالبی را در کلاس مطرح کنند که با ملاک‌های تربیتی و ارزش‌های مدنظر طرح درس ناسازگار باشد.

** از آن جا که تربیت، لایه به لایه و تدریجی است، هدف از مطالب طرح شده در این پاورپوینت، تنها اصلاح نگرش بچه‌ها و ایجاد انگیزه در جهت کنترل زبان است. لذا در حیطه دانشی، تسلط به مطالب فراتر از حد کتاب لازم نیست.

دانشی:

۱. شباهت عقل با نور چراغ چیست؟
۲. اثر ادب بر نور عقل چگونه است؟
۳. چرا آدم دیوانه، نسبت به بی ادبی احساس خجالت ندارد؟
۴. چه آدابی را در کوچه و خیابان باید رعایت کرد؟
۵. به نظر شما مهم ترین ادبی که می توان در خلوت و تنهایی به آن پایبند بود چیست؟
۶. بین ادب در مقابل کوچک تر و ادب در مقابل بزرگ تر چه نکات مشترکی وجود دارد؟
۷. ادب سلام کردن را در چه موقعیت هایی باید رعایت کرد؟
۸. زبان انسان چه آفت هایی می تواند داشته باشد؟

نگرشی:

- ۱) مؤدب بودن را امری نیکو و بی ادبی و پررویی را امری ناپسند تلقی می کند.
- ۲) نسبت به آزار و اذیت دیگران کراهت دارد.
- ۳) بدگمانی نسبت به دیگران را قبیح می شمارد.
- ۴) مراقبت از زبان را امری مهم می شمارد.

مهارتی:

- سعی می کند آداب موقعیت های مختلف را رعایت کند.
- سعی می کند از آفات اخلاقی مسخره کردن، عیبجویی، اهانت، بدگمانی، تجسس و غیبت دوری کند.

نهاد
تربیت
Tarbiat.inst

(۵) پیشنهاد برای مربی

(۶) منابع و مآخذ

- [۱] غررالحکم، ح ۵۰۹۸
امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:
الْأَدَبُ فِي الْإِنْسَانِ كَشَجَرَةٍ أَصْلُهَا الْعَقْلُ
ادب در انسان مانند درختی است که ریشه اش عقل است.

[۲] مستندات مطالب پاورپوینت

حجرات/ ۱۰-۱۲

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (۱۰)

یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا یَسْخَرُوا قَوْمٍ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ یَكُونُوا خَیْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ یَكُنَّ خَیْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِیمَانِ وَمَنْ لَمْ یَتُبْ فَأُولَئِکَ هُمُ الظَّالِمُونَ (۱۱)

یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا کَثِیرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا یَغْتَبِ بَعْضُکُمْ بَعْضًا یُحِبُّ أَحَدُکُمْ أَنْ یَأْكُلَ لَحْمَ أَخِیهِ مِمَّا فَرَغْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِیمٌ (۱۲)

همانا مؤمنان برادران [یکدیگر] اند، پس میان برادرانان آشتی افکنید و از خدا پروا کنید، باشد که درخور رحمت گردید. (۱۰)
ای کسانی که ایمان آورده‌اید، گروهی [از مردان] گروه دیگر را مسخره نکنند، شاید آنان - که مسخره شده‌اند - از اینان - که مسخره کرده‌اند - بهتر باشند و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آنان از اینان بهتر باشند. و از خودتان - از یکدیگر - عیبجویی نکنید و یکدیگر را به لقبها [ی بد و ناخوش] نخوانید. بد نامی است نام کردن [مردم] به بدکرداری پس از ایمان آوردن [آنها]. و هر که توبه نکرد پس اینانند ستمکاران. (۱۱)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمانها دور باشید، زیرا برخی از گمانها گناه است. و تجسس نکنید، و بعضی از شما غیبت بعضی دیگر را نکنید. آیا یکی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟ بی گمان آن را ناخوش و ناپسند می‌دارید. و از خدا پروا کنید، که خدا توبه‌پذیر و مهربان است. (۱۲)

عدة الداعی و نجاح الساعی، ص ۲۷

رسول خدا ﷺ فرمودند:

إِنَّ سَيْنَ بِلَالٍ عِنْدَ اللَّهِ شَيْنٌ.

سین بلال در نزد خدا شین است.

التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، ص ۹۰، [سورة البقرة (۲): آية ۵]

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ بِلَالًا كَانَ يَنْظُرُ الْيَوْمَ فَلَانًا، فَجَعَلَ [بِلَالٌ] يَلْحَنُ فِي كَلَامِهِ، وَ فُلَانٌ يُعْرِبُ، وَ يَضْحَكُ مِنْ بِلَالٍ.

فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: يَا عَبْدَ اللَّهِ، إِنَّمَا يُرَادُ إِعْرَابُ الْكَلَامِ وَ تَقْوِيمُهُ لِتَقْوِيمِ الْأَعْمَالِ وَ تَهْذِيبُهَا، مَاذَا يَنْفَعُ فُلَانًا إِعْرَابُهُ وَ تَقْوِيمُهُ لِكَلَامِهِ - إِذَا كَانَتْ أَعْمَالُهُ مَلْحُونَةً أَقْبَحَ لَحْنٍ وَ مَا يَضُرُّ بِلَالًا لَحْنُهُ فِي كَلَامِهِ - إِذَا كَانَتْ أَعْمَالُهُ مَقْوَمَةً أَحْسَنَ تَقْوِيمٍ، مُهْذَبَةً أَحْسَنَ تَهْذِيبٍ
مردی خدمت امیرالمؤمنین (علیه السلام) رسید و عرضه داشت: ای امیر المؤمنین، بلال امروز با فلانی گفتگو و مناظره می‌کرد و با الفاظ ناصحیح مطالبش را بیان می‌کرد، و فلانی درست سخن می‌گفت و از گفتار بلال می‌خندید.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: ای بنده خدا، صحت کلام و درستی سخن، برای درستی اعمال و تهذیب آن است، صحت کلام فلانی و درستی سخنش در صورتی که اعمالش نادرست و قبیح باشد، برای او چه نفعی دارد؟! و نادرستی الفاظ بلال، در صورتی که کارهایش به نحو احسن درست و پاکیزه باشد چه ضرری به حال بلال دارد؟!

جامع الأخبار (لشعیری)، ص ۱۴۷، الفصل العاشر و المائة فی إیذاء المؤمن

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ آذَى مُؤْمِنًا فَقَدْ آذَانِي وَ مَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ وَ مَنْ آذَى اللَّهَ فَهُوَ مُلْعُونٌ فِي النَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ

رسول خدا ﷺ فرمودند: هر کس مؤمنی را آزار کند، به تحقیق که مرا آزار کرده است و هر کس مرا آزار کند، به تحقیق که خدا را آزار کرده است و هر کس خدا را آزار کند، پس او در تورات و انجیل و قرآن ملعون است.

تفسیر القمی، ج ۲، ص ۳۲۱-۳۲۲، [سورة الحجرات (۴۹): آیه ۱۱].....

وَأَمَّا قَوْلُهُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ - عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ - وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَى أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ فَإِنَّهَا نَزَلَتْ فِي صَفِيَّةَ بِنْتِ حَيٍّ بْنِ أَخْطَبٍ، وَكَانَتْ زَوْجَةَ رَسُولِ اللَّهِ ص وَذَلِكَ أَنَّ عَائِشَةَ وَحَفْصَةَ كَانَتَا تُؤْذِيَانِهَا وَتَسْتِمَانِهَا - وَتَقُولَانِ لَهَا يَا بِنْتَ الْيَهُودِيَّةِ،

فَشَكَتْ ذَلِكَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَقَالَ لَهَا: أَلَا تُجِيبُهُمَا فَقَالَتْ بِمَاذَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ قُولِي أَبِي هَارُونَ نَبِيَّ اللَّهِ - وَعَمِّي مُوسَى كَلِيمُ اللَّهِ وَزَوْجِي مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ فَمَا تُنْكِرَانِ مِنِّي

فَقَالَتْ لَهُمَا فَقَالَتَا هَذَا عَلَمَكَ رَسُولُ اللَّهِ ص فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِي ذَلِكَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ إِلَى قَوْلِهِ وَلَا تَتَّبِعُوا بِاللَّغَابِ - بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ

آیه «یا ایُّها الذّٰین آمَنُوا لَا یَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ - عَسٰی اَنْ یَّکُونُوا خَیْرًا مِنْهُمْ - وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسٰی اَنْ یَّکُنَّ خَیْرًا مِنْهُنَّ» درباره صفیه دختر حیی بن اخطب همسر رسول خدا ﷺ نازل شده زیرا عائشه و حفصه او را اذیت می کردند و شتمات می نمودند و به او دختر یهودی خطاب می کردند.

صفیه شکایت نزد رسول خدا ﷺ برد. پیامبر ﷺ به او فرمودند: چرا به آنها جواب نمی دهی؟ صفیه گفت: به چه جواب بگویم؟ حضرت فرمودند: این سخن من: به آنها بگو که پدرم هارون نبی الله است و عموی من موسی کلیم الله است و شوهر من محمد رسول الله است. پس به چه علت مرا شتمات می کنید؟

وقتی صفیه این جواب را به آنها گفت، اظهار داشتند این را رسول خدا ﷺ به تو یاد داده است. سپس این آیه نازل شد که یا ایُّها الذّٰین آمَنُوا لَا یَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ إِلَى قَوْلِهِ وَلَا تَتَّبِعُوا بِاللَّغَابِ - بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ

تربیت
Tarbiat Inst

الکافی، ج ۲، ص ۲۰۰، باب تفریج کرب المؤمن

عَنْ ذَرِيحِ الْمُحَارَبِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ ... مَنْ سَتَرَ عَلَى مُؤْمِنٍ عَوْرَةً يَخَافُهَا سَتَرَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَبْعِينَ عَوْرَةً مِنْ عَوْرَاتِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

راوی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودند: ... هر کس عیب مؤمنی را که از آن می ترسد بپوشاند، خدا ۷۰ عیب دنیوی و اخروی او را بپوشاند.

غررالحکم، ح ۱۰۳۶۷

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

اسْتُرِ الْعَوْرَةَ مَا اسْتَطَعْتَ يَسْتُرِ اللَّهُ سُبْحَانَهُ مِنْكَ مَا تُحِبُّ سِتْرَهُ

عیوب را تا جایی که می توانی بپوشان تا خدای سبحان از تو بپوشاند آنچه را که پوشانیدن آن را دوست می داری.

الکافی، ج ۲، ص ۳۵۱، باب من آذى المسلمين و احتقرهم

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ أَيْنَ الصَّدُودُ لِأَوْلِيَائِي فَيَقُومُ قَوْمٌ لَيْسَ عَلَى وُجُوهِهِمْ لَحْمٌ فَيَقَالُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ آذَوْا الْمُؤْمِنِينَ وَ نَصَبُوا لَهُمْ وَ عَانَدُوهُمْ وَ عَنَّفُوهُمْ فِي دِينِهِمْ ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِمْ إِلَى جَهَنَّمَ

امام صادق علیه السلام فرمودند: چون روز قیامت شود یک منادی ندا کند: کجايند روگردانان از دوستان من؟ پس گروهی که صورت آنها گوشت ندارد برخيزند. پس گفته شود: اينهايند آن کسانی که مؤمنين را آزرديد و با آنان دشمنی کردند و عناد ورزیدند و آنها را در دينشان با درشتی سرزنش کردند. سپس فرمان داده شود که آنان را به جهنم برند.

بحار الأنوار، ج ۳۰، ص ۶۶۱

مَا رَوَاهُ ابْنُ أَبِي الْحَدِيدِ وَ غَيْرُهُ أَنَّ عُمَرَ كَانَ يَعْصُ لَيْلَةً فَمَرَّ بِدَارٍ سَمِعَ فِيهَا صَوْتًا فَارْتَابَ وَ تَسَوَّرَ فَوَجَدَ رَجُلًا عِنْدَهُ امْرَأَةً وَ زِقُ خَمْرٍ، فَقَالَ: يَا عَدُوَّ اللَّهِ! أَظَنَنْتَ أَنَّ اللَّهَ يَسْتُرُكَ وَ أَنْتَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ؟! فَقَالَ: لَا تَعْجَلْ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! إِنْ كُنْتُ أَخْطَأْتُ فِي وَاحِدَةٍ فَقَدْ أَخْطَأْتُ فِي ثَلَاثٍ، قَالَ اللَّهُ: وَ لَا تَجَسَّسُوا وَ تَجَسَّسْتَ، وَ قَالَ: وَ أَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَ قَدْ تَسَوَّرْتُ، وَ قَالَ: فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا وَ مَا سَلَّمْتُمْ. قَالَ: فَهَلْ عِنْدَكَ مِنْ خَيْرٍ إِنْ عَفَوْتُ عَنْكَ؟ قَالَ: نَعَمْ - وَاللَّهِ - لَا أَعُودُ. فَقَالَ: أَذْهَبَ فَقَدْ عَفَوْتُ عَنْكَ.

ابن ابی الحدید و دیگران نقل کرده اند که شبی عمر مشغول گشت زنی در کوچه های مدینه بود که صدایی از خانه ای شنید. از دیوار آن خانه بالا رفت و دید مردی در کنار زنی نشسته و مشغول نوشیدن شراب است. عمر به وی گفت: ای دشمن خدا! فکر کردی اگر معصیت کنی، خدا معصیت تو را می پوشاند؟ مرد پاسخ داد: عجله نکن ای پیشوای مومنان! اگر من یک خطا مرتکب شدم، تو سه خطا انجام دادی؛ خداوند می فرماید: تجسس نکنید و تو تجسس کردی. خداوند می فرماید: از در خانه ها وارد شوید و تو از دیوار وارد منزل من شدی. خداوند می فرماید: هنگامی که وارد خانه ای می شوید، سلام کنید و تو سلام نکردی. حالا حرفی داری که تو را ببخشم؟ عمر گفت: بله، -به خدا قسم- دیگر این کار را تکرار نمی کنم. آن مرد گفت: برو تو را ببخشم.

بحار الأنوار، ج ۳۰، ص ۶۶۲

... خَرَجَ مَعَ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ أَيْضًا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَوْفٍ فَتَبَيَّنَتْ لَهُمَا نَارٌ فَاتَّيَا وَ اسْتَاذَنَا فَفُتِحَ الْبَابُ فَدَخَلَا، فَإِذَا رَجُلٌ وَ امْرَأَةٌ تَغْنَى وَ عَلَى يَدِ الرَّجُلِ قَدَحٌ، فَقَالَ عُمَرُ: مَنْ هَذِهِ مِنْكَ؟ قَالَ: امْرَأَتِي. قَالَ: وَ مَا فِي هَذَا الْقَدَحِ؟ قَالَ: الْمَاءُ.

... همراه عمر بن خطاب، عبدالرحمن بن عوف خارج شد. پس آن دو نوری را دیدند و به سوی آن رفتند و اجازه گرفتند. پس در باز شد و آنها وارد شدند. مردی بود و زنی که آواز می خواند و در دست مرد پیاله ای بود. عمر گفت: با این زن چه نسبتی داری؟ گفت: همسر من است. عمر گفت: و در این پیاله چیست؟ گفت: آب است.

مصباح الشریعة، ص ۲۰۵، الباب المائة فی الغیبة

قَالَ الصَّادِقُ ع: ... الْغَيْبَةُ تَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ

امام صادق علیه السلام فرمودند: ... غیبت کارهای نیک را از بین می برد همان گونه که آتش هیزم را می خورد.

بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۲۵۹، باب ۶۶- الغیبة

رسول خدا ﷺ فرمودند:

عَذَابُ الْقَبْرِ مِنَ النَّمِيمَةِ وَ الْغَيْبَةِ وَ الْكُذْبِ.

عذاب قبر از سخن چینی و غیبت و دروغ است.

وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۸۳، باب ۱۵۲- باب تحریم اغتیاب المؤمن

امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند:

اجْتَنِبِ الْغِيبَةَ فَإِنَّهَا إِدَامُ كِلَابِ النَّارِ

از غیبت کردن پرهیز که آن خوراک سگ‌های آتش جهنم است.

وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۹۳، باب ۱۵۶- باب وجوب رد غیبه المؤمن

عَنْ ابْنِ أَبِي الدَّرْدَاءِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: نَالَ رَجُلٌ مِنْ عَرَضِ رَجُلٍ عِنْدَ النَّبِيِّ صَ فَرَدَّ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ عَلَيْهِ فَقَالَ النَّبِيُّ ص مَنْ رَدَّ عَنْ عَرَضِ أَخِيهِ كَانَ لَهُ حِجَابٌ مِنَ النَّارِ

از ابو درداء نقل شده: مردی در حضور رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آبروی مرد دیگری را برد و مردی از میان آن قوم پاسخ او را داد. پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: هر کس از آبروی برادر خود دفاع کند، این عمل حجابی برای او از آتش دوزخ خواهد بود.

الکافی، ج ۲، ص ۱۱۵، باب الصمت و حفظ اللسان

عَلَى بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ: إِنَّ لِسَانَ ابْنِ آدَمَ يُشْرِفُ عَلَى جَمِيعِ جَوَارِحِهِ - كُلَّ صَبَاحٍ فَيَقُولُ كَيْفَ أَصْبَحْتُمْ فَيَقُولُونَ بِخَيْرٍ إِنْ تَرَكْتَنَا وَ يَقُولُونَ اللَّهُ اللَّهُ فِينَا وَيُنَاشِدُونَهُ وَيَقُولُونَ إِنَّمَا نُنَابُ وَ نَعَاقِبُ بِكَ.

امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: در هر بامداد زبان آدمیزاد بر تمام اعضایش مشرف شود و گوید: چگونه هستید؟ گویند: اگر تو ما را رها کنی خوبیم و می گویند: خدا را خدا را نسبت به ما به یاد آور و سوگندش دهند و گویند ما به سبب تو ثواب و عقاب می بینیم.

نهج البلاغه، خطبه ۷۸- من کلمات کان ع يدعو بها

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي رَمَزَاتِ الْأَلْفَاظِ وَ سَقَطَاتِ الْأَلْفَاظِ وَ شَهَوَاتِ الْجَنَانِ وَ هَفَوَاتِ اللِّسَانِ
خداایا، اشارات چشم و سخنان بیهوده و تمایلات دل و لغزشهای زبانم را بر من ببخش.

(۷) دانش افزایی مربی

معنا و قلمرو ادب

در یک نگاه دقیق می توان ادب را به عنوان «رعایت شأن یک مقام و موقعیت» تعریف کرد. فرد مؤدب در برابر هر «فرد»، «زمان»، «مکان» یا «موقعیتی»، حدودی را رعایت می کند و رفتارهای خاصی از خود بروز می دهد. رفتارهای وی در این موقعیت ها جهت مشخصی پیدا می کند و در چارچوب معینی هدایت می شود.
درباره ی قلمرو آداب می توان نکاتی چند را تذکر داد:

مظاهر و موقعیت ها

اولاً سایه ی ادب بر همه ی اعضا و جوارح انسان می افتد. نگاه و سخن انسان، حالت چهره ی انسان، طرز نشستن انسان، طرز راه رفتن

انسان و... می تواند حاکی از ادب یا بی ادبی وی باشند. به علاوه روح انسان نیز مقید به آداب خاصی می شود. ادب یا بی ادبی در این عرصه می تواند خود را به صورت تسلیم یا انکار قلبی، محبت یا تنفر قلبی، خضوع یا استکبار قلبی و... نشان دهد.

ثانیاً چنان که گفته شد آداب در برابر افراد مختلف، تفاوت می کند. ادب در برابر دوست، ادب در برابر خواهر و برادر، ادب در قبال والدین، ادب در برابر استاد، ادب در برابر عالم، ادب در برابر اولیای الهی، معصومین و پیامبر اکرم:، ادب در برابر خداوند، حتی ادب برخورد با اهل معصیت، ادب در برابر دشمنان خدا، ادب در برابر جاهلان، ادب در برابر گدایان و... هر یک اقتضائات و چارچوب های خاص خود را دارند و در عین حال مصادیق مشابهی را نیز دارا هستند.

ادب در مکان های مختلف نیز متفاوت است. ادب مسجد، ادب حرم های معصومین: و سایر مکان های مقدس، ادب مجلس درس، ادب کوچه و بازار، ادب قبرستان، ادب منزل و حتی ادب دست شویی با یکدیگر تفاوت ها و تشابه هایی دارند.

ادب در زمان های مختلف نیز قابل طرح است. ادب هنگام اذان، ادب پیش و پس از نماز، ادب دعا، ادب شب های قدر، ادب جمعه، ادب زمان غیبت امام عصر (عج)، ادب هنگام زیارت، ادب اعیاد، ادب عزاداری، ادب هنگام تولد و مرگ، ادب غم و شادی و... تشابه ها و نیز ویژگی های خود را دارند.

ثالثاً آداب می توانند شکل های مختلف فردی، اجتماعی، خانوادگی و عبادی به خود بگیرند.

عقل: ریشه ی آداب

سرچشمه اصلی ادب، عقل است. دریافت حُسن ادب توسط عقل صورت می گیرد و انسان به دلالت عقل است که در پی یادگیری آداب می رود. در یک کلام می توان ادب را نشانه ی عقل دانست. امیرمؤمنان (ع) می فرمایند:

الْأَدَبُ صُورَةُ الْعَقْلِ

ادب، سیمای عقل است.

غرالحکم، ح ۵۰۹۷

بر طبق وجدان عقلانی و این فرمایش آسمانی، ادب شکل و سیمای عقل است. فرد مؤدب نخست حُسن ادب را در درون خود یافته و خویش را ملزم به آن دانسته است. لذا عقل او در رفتار مؤدبانه اش مجسم می شود.

انسان عاقل حذر دارد که در برابر دیگران از خود رفتار غیرمؤدبانه بروز دهد و چارچوب های عُرفی - که مورد تأیید ارزش ها هست - را زیر پا بگذارد. کسی که حدود و شؤون را رعایت نمی کند مسلماً به عقلانیت خود عمل نکرده است. انسان با ادب، به دریافت روشن عقلانی خود ترتیب اثر داده و ادب افزون تر او نشانه ی عقل فروزنده تر وی است.

به فرموده ی امیرمؤمنان (ع):

الْأَدَبُ فِي الْإِنْسَانِ كَشَجَرَةٍ أَصْلُهَا الْعَقْلُ

ادب در انسان مانند درختی است که ریشه اش عقل است.

غرالحکم، ح ۵۰۹۸

میوه ی درخت ادب در رفتارهای «عاقل» مشاهده می شود. به تعبیر دیگر ثمره ی شیرین مؤدب بودن، مرهون ریشه ی عمیق آن می باشد که همان عقلانیت است.

برگرفته از کتاب تربیت عقلانی، ج ۳، فصل دوم: هفت سال دوم

عقل مایه پای بندی

پیامبر اکرم (ص) فرمودند:

إِنَّ الْعَقْلَ عِقَالٌ مِنَ الْجَهْلِ وَالنَّفْسَ مِثْلُ أَحْبَثِ الدَّوَابِّ فَإِنْ لَمْ تُعْقَلْ حَارَتْ

عقل، عقل (مانع) از جهل است و نفس مانند خبیث‌ترین مرکب‌هاست. اگر بسته نشود سرگردان می‌گردد.

تحف‌العقول، ص ۱۵

چنانکه آمد، از معانی لغوی عقل، بستن و حبس و منع است. نفس بشر نیز بسان مرکبی ناآرام است که اگر رها شود، به وادی سرگردانی می‌رود. عقل این مرکب را رام کرده، آن را از زشتی‌ها باز می‌دارد و به نیکی‌ها رهنمون می‌سازد.

عقل: نور فارق بین حق و باطل

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

الْعَقْلُ نُورٌ فِي الْقَلْبِ يُفَرِّقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ

عقل نوری است که به وسیله‌ی آن، میان حق و باطل فرق نهاده می‌شود.

إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی)، ج ۱، ص ۱۹۸

فرق نهادن میان حق و باطل به وسیله‌ی عقل، نتیجه تشخیص حسن از قبیح است. انسان بهره‌مند از نور عقل، خوب را از بد تشخیص می‌دهد؛ آنگاه می‌فهمد که حسن یک حسن مانند عدل، حق است و قبیح آن باطل می‌باشد. یعنی تشخیص حق و باطل، ممکن است در پی فهم یک وجوب یا حرمت ذاتی پدید آید.

وقوع نور عقل در قلب انسان بالغ

از پیامبر اکرم ﷺ پرسیدند:

خداوند عزوجل، عقل را از چه آفرید؟

روشن است که این پرسشگر از منشأ عقل خود و امثال خود در انسان‌ها پرسیده است.

پیامبر فرمودند:

...فَإِذَا بَلَغَ كُشِفَ ذَلِكَ السِّتْرُ فَيَقَعُ فِي قَلْبِ هَذَا الْإِنْسَانِ نُورٌ فَيَفْهَمُ الْفَرِيضَةَ وَالسُّنَّةَ وَالْجَيِّدَ وَالرَّدَى أَلَا وَ مَثَلُ الْعَقْلِ فِي الْقَلْبِ كَمَثَلِ السَّرَّاجِ فِي وَسْطِ الْبَيْتِ

... پس وقتی که بالغ شد، آن پرده کنار می‌رود و آنگاه در قلب این انسان نوری می‌افتد و در نتیجه، فریضه و سنت و خوب و بد را می‌فهمد. آگاه باشید که عقل در قلب، مانند چراغ در وسط اتاق است.

علل الشرائع، ج ۱، ص ۹۸، باب ۸۶ باب العلة التي من أجلها صار العقل واحدا في كثير من الناس

عقل، کشف است و به معنای روشن شدن یک معقول برای عاقل است. ما به عنوان یک انسان، تا پیش از بلوغ عقلی از این حقیقت و نعمت بهره‌مند نبوده‌ایم. می‌توانیم عقل را به نور خورشید تشبیه کنیم. البته فقط به همان وجه شبه عرفی، باید توجه کرد و نه وجوه مبعودی از مثال که ممکن است با دقت علم فیزیک آشکار شود. خورشید در حال تابیدن است و ما در اتاقی با پنجره‌های پوشیده با پرده نشسته‌ایم. پرده که کنار می‌رود نور در اتاق می‌تابد و اتاق و اشیای در آن منور می‌شوند.

اکنون قلب و روح آدمی را در نظر بگیرید که مانند اتاقی است که پنجره‌های آن با پرده پوشیده شده و همین پرده مانع روشن شدن اتاق می‌شود. وقتی که به سن بلوغ می‌رسد، این مانع برطرف می‌شود و او دیگر از نور عقل محروم نمی‌ماند. اینجاست که نوری در دل انسان می‌افتد و در پی آن، مطالبی را می‌فهمد که تا قبل از بلوغ نمی‌فهمید. در اینجا منظور ما از بلوغ، بلوغ عقلی است، نه بلوغ شرعی. بلوغ عقلی، لزوماً همزمان با بلوغ شرعی تحقق نمی‌یابد. ممکن است حتی پیش از بلوغ شرعی - که حد آن در شرع معین شده است - مطالبی عقلی برای انسان روشن شود. یعنی با پدید آمدن اولین کشف‌ها برای یک شخص، می‌توان او را عضوی از مجموعه

عقلان دانست، که به بلوغ عقلی رسیده است. به تجربه می‌بینیم برای پسران پیش از ۱۵ سالگی و دختران قبل از ۹ سالگی، حُسن و قُبُح بعضی اعمال روشن می‌شود. در این زمان، مانع منور شدن قلب به نور عقل از میان می‌رود و به دنبال آن، فهم خوب و بد برای فرد پدید می‌آید بنابراین یکی از نکات جالب توجه حدیث، آن است که از زمانی خبر می‌دهد که ما در آن، وجدانی از عقل نداشته‌ایم؛ یعنی پیش از بلوغ که انسان درباره عقل نمی‌تواند کلامی بر زبان بیاورد. اما حدیث بیان می‌کند که پیش از بلوغ، اجازه بهره‌مندی از آن نور عقل به وسیله خداوند داده نشده است و با رسیدن به سن بلوغ، این اجازه تکوینی از جانب صاحب اختیار این نور، برای بهره‌مندی از آن صادر می‌شود. در حدیث چنین آمده است: «إِذَا بَلَغَ كُشِفَ ذَلِكَ السُّتْرُ فَيَقَعُ فِي قَلْبِ هَذَا الْإِنْسَانِ نُورٌ» یعنی وقتی آن پرده کنار می‌رود، نور در قلب انسان بالغ می‌افتد. در نتیجه، در زمان بلوغ، نور در قلب انسان می‌افتد، چون اذن تکوینی داده می‌شود.

شواهد لغوی بر دریافت وجدانی از عقل

اکنون نظری گذرا بر مباحث دانشمندان لغت شناس درباره عقل می‌افکنیم.

معجم مقاییس اللغة: «العقل الحابس عن ذمیم القول و الفعل». عقل، مانع از گفتار و کردار ناپسند است. لسان العرب: «العقل: الحِجْر و النُّهْيُ ضِدُّ الْحَقِّقِ» «حِجْر» یعنی حرمت و محدودیت. به همین خاطر، آن را که ممنوع التصرف است - و به بیان دیگر تصرف بر او حرام گشته است - اصطلاحاً محجور می‌نامند. «نهی» از نهی به معنی «بازداشتن» مشتق شده است. علاوه بر این حُقم یا حماقت نیز در مقابل عقل جای دارد.

بر اساس این سخنان، نوعی حبس و ممنوعیت برای انسان است. انسان در هنگام عاقل بودنش، انجام پاره‌ای اعمال را ممنوع می‌یابد. این وجدان به خاطر آن است که عقل، نوعی ادراک و فهمیدن است. شخص خود را مجاز به انجام اعمال ناشایست نمی‌داند، زیرا که زشتی آن را می‌فهمد. بنابراین فهم و ادراک عقلانی، انسان را از لایقیدی خارج می‌کند و به بند تقید می‌کشد. در مقابل، برای کسی که فاقد این فهم است، چنین محدودیتی معنا ندارد. او از هر قید و بندی آزاد است، چون آنچه را که عاقل می‌فهمد، او نمی‌فهمد. از این عدم فهم، به حُقم یا حماقت تعبیر می‌شود.

لسان العرب در ادامه می‌افزاید:

العَاقِلُ الَّذِي يَحْبِسُ نَفْسَهُ وَ يَرُدُّهَا عَنْ هَوَاهَا

عاقل کسی است که نفس خود را حبس می‌کند و آن را از آنچه میل دارد باز می‌دارد.

لسان العرب، ج ۱۱، ص ۴۵۸

در پایان، ابن منظور در بیان وجه تسمیه عقل، «يَعْقِلُ» را در کنار «يَحْبِسُ» می‌نشانند:

سُمِّيَ الْعَقْلُ عَقْلًا لِأَنَّهُ يَعْقِلُ صَاحِبَهُ عَنِ التَّوَرُّطِ فِي الْمَهَالِكِ أَيْ يَحْبِسُهُ

عقل را عقل نامیده‌اند، زیرا که دارنده‌ی خود را از فرو غلطیدن به مهلکه‌ها باز می‌دارد.

لسان العرب، ج ۱۱، ص ۴۵۸

البته روشن است که این بازدارندگی و منع، منعی درونی است؛ نه اینکه خارجاً از آدمی سلب اختیار کند.

برگرفته از کتاب پرتو خرد، دکتر سید محمد بنی‌هاشمی، ص ۱۹-۳۹

۸) کاربرگ‌ها



(۹) پیوست‌ها

پیوست شماره (۱)

ادب در خلوت	
دوری از کارهای بد که مقابل دیگران هم انجام نمی‌دهیم	حاضر و ناظر دانستن خدا
کنترل فکر از گناه	کنجکاوی نکردن در اموری که به ما مربوط نیست

	ادب در برابر کوچک تر
حمایت و مراقبت کردن	محترمانه صحبت کردن
زور نگفتن و اذیت نکردن	سر به سر نگذاشتن و مسخره نکردن

	ادب در مقابل بزرگ‌تر
ایستادن در مقابل آن‌ها در بدو ورود	پرهیز از جر و بحث و درشت‌گویی
توجه به خواسته‌های آن‌ها	سبقت گرفتن در سلام

	ادب در مهمانی
عدم استفاده زیاد از وسایل سرگرم کننده فردی و بی‌توجهی به دیگران	خوب و درست سلام کردن به دیگران
کمک کردن به صاحبخانه در صورت امکان	پرهیز از دخالت بی‌جا در گفتگوی بزرگ‌ترها

ادب در مکالمه‌ی تلفنی	
مؤدبانانه پاسخ دادن به سوالات	سلام کردن مؤدبانانه با صدای رسا
سلام رساندن به محارم	با احترام صدا کردن دیگران پای تلفن

ادب در کوچه و خیابان	
نگاه نکردن به داخل خانه مردم	پرهیز از نگاه به نامحرم و نگاه خیره و ممتد به محرم
استفاده از پوشش مناسب	پرهیز از بلند خندیدن و بلند حرف زدن

کدام پاکت مال ماست؟

زود، تند، سریع،
ولی با دقت فراوان،

حروف متن زیر را به ترتیب در جاهای تعیین شده قرار دهید. سپس شروع به کدگذاری کنید.

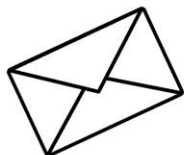
چه خوب است که ما نیز سعی کنیم به پیروی از پیامبران در گفتار و رفتار خود با دیگران به خوبی عمل کنیم.

[illegible]

حالا وقت رمز گشایی است:

16 8 9 1 4 9 16 5 6 16 5 16 17 5 17 6

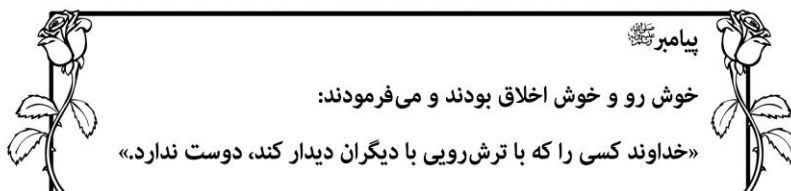
روی پاکت ما نوشته شده:



کدام پاکت مال ماست؟

زود، تند، سریع،
ولی با دقت فراوان،

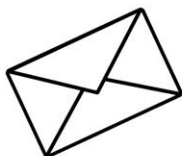
حروف متن زیر را به ترتیب در جاهای تعیین شده قرار دهید. سپس شروع به کدگذاری کنید.



خ	و	ش	ر	و	و	خ	و	ش	ا	خ
۱	۲	۳	۴	۲	۲	۱	۲	۳	۵	۱
د										
۹										
ب										
۸										

حالا وقت رمز گشایی است:

۵ ۹ ۸ ۹ ۴ ۱۱ ۱۴ ۵ ۶ ۱۱ ۱۶ ۱۷ ۶ ۱۳ ۱۰ ۱۲



روی پاکت ما نوشته شده:

ز
و

حروف متن زیر را به ترتیب در جاهای تعیین شده قرار دهید. سپس شروع به کدگذاری کنید.



پیامبر ﷺ

در کنار مردم می‌نشستند و برای خود جای مخصوصی نداشتند.

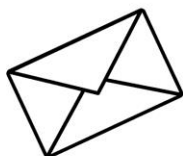


هـ م ی ش ه ل ب خ ن د ب
۱ ۲ ۳ ۴ ۱ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۶

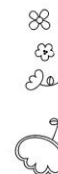
ی ۳ د ۹ ، ی ۱۳ . ی ۳ .

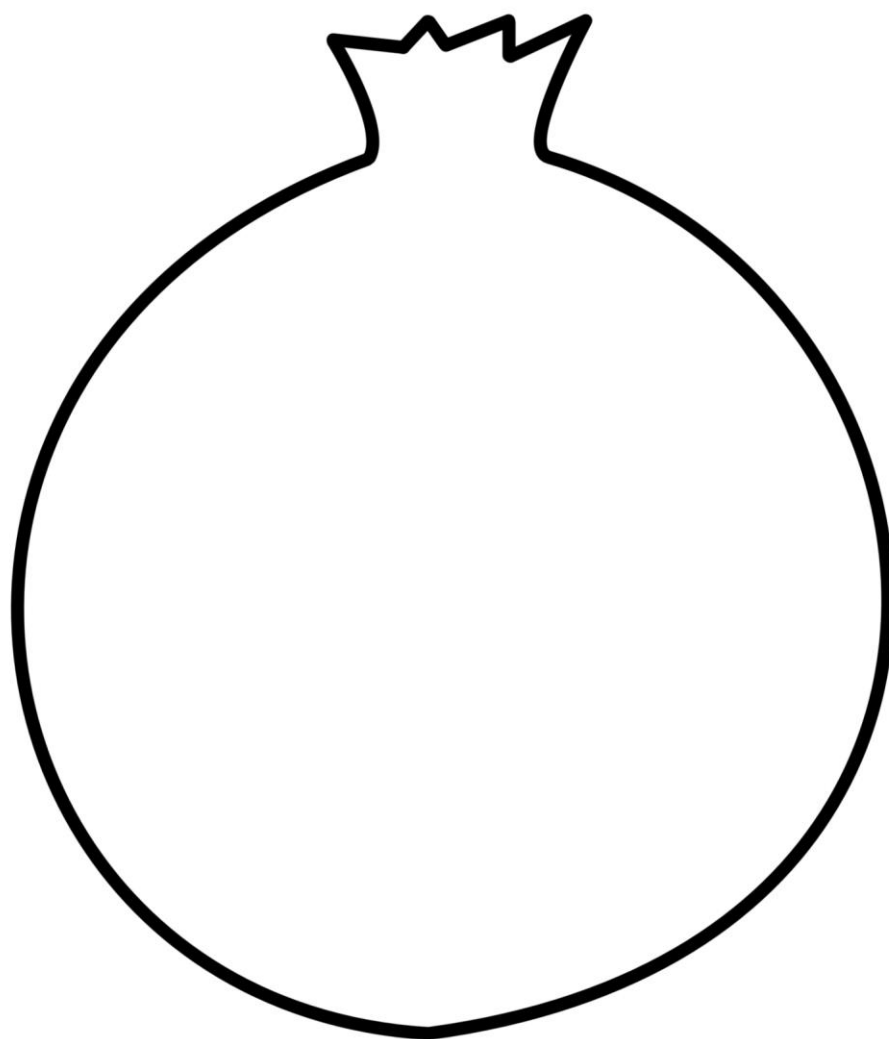
حالا وقت رمز گشایی است:

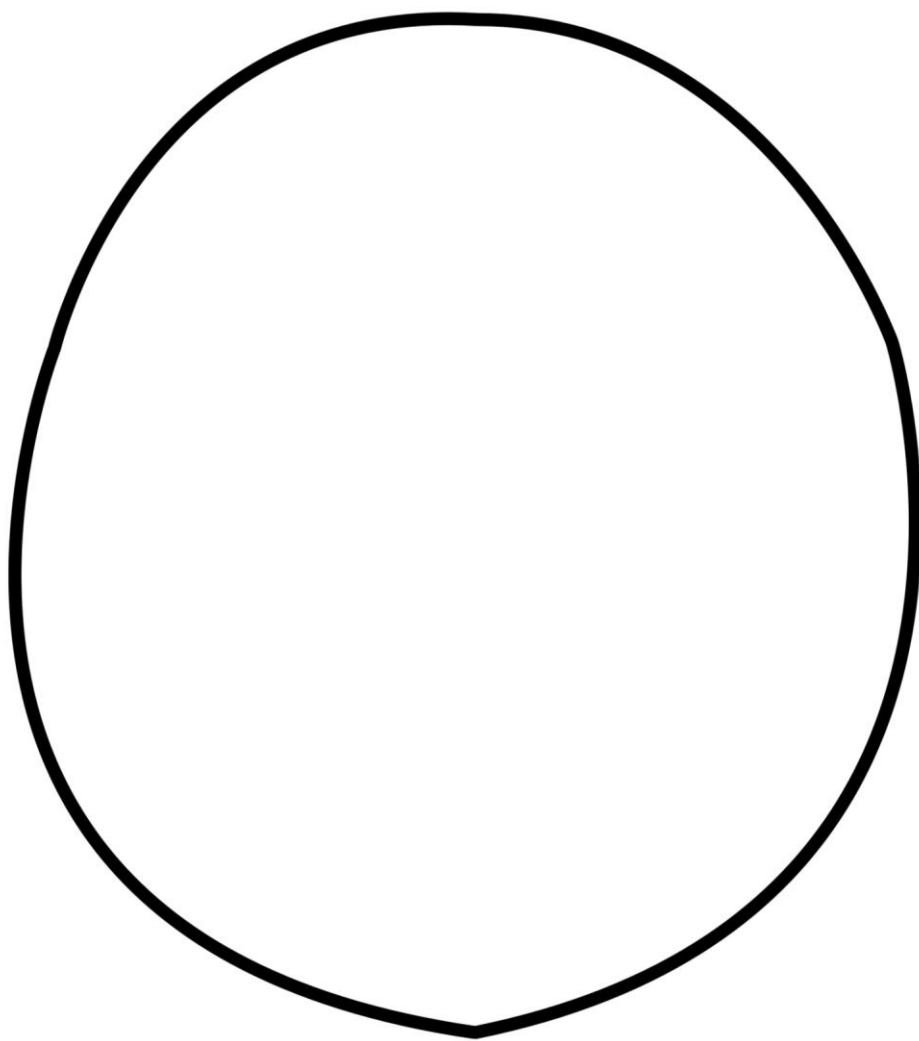
12 15 5 7 10 9 6 9 11

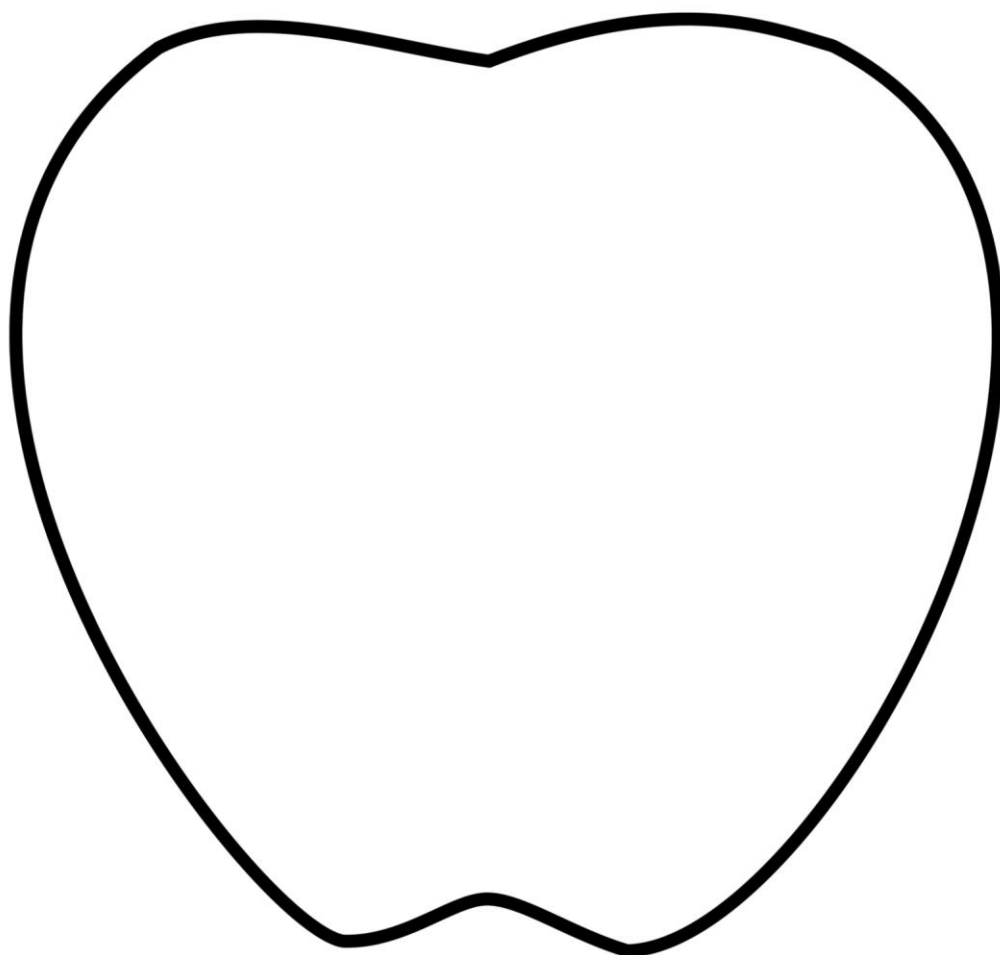


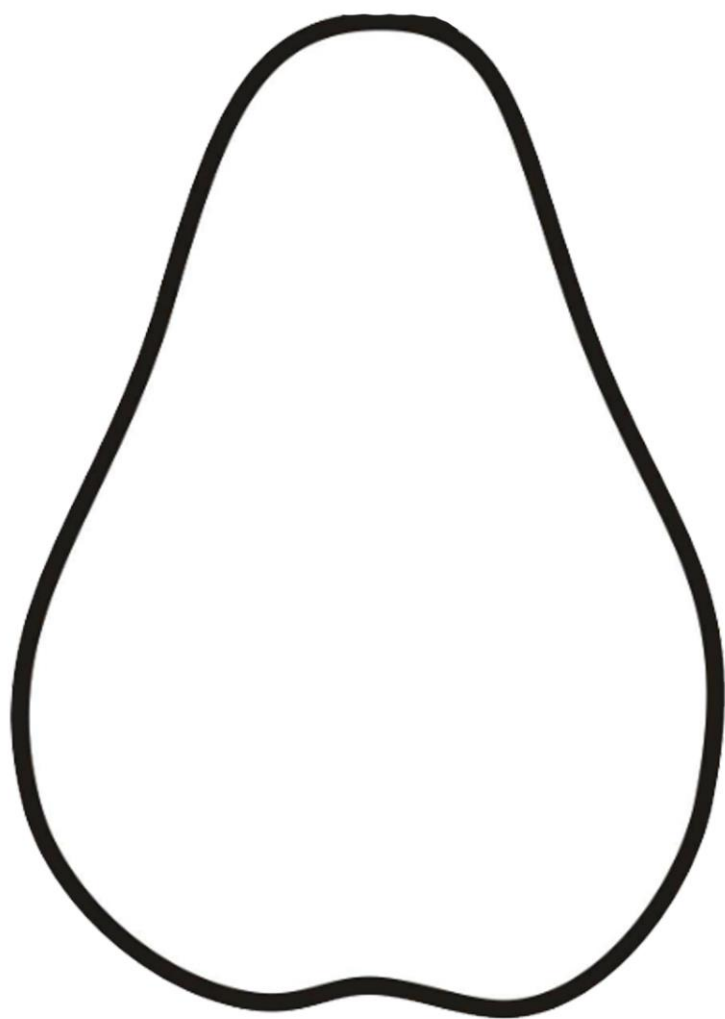
روی پاکت ما نوشته شده:

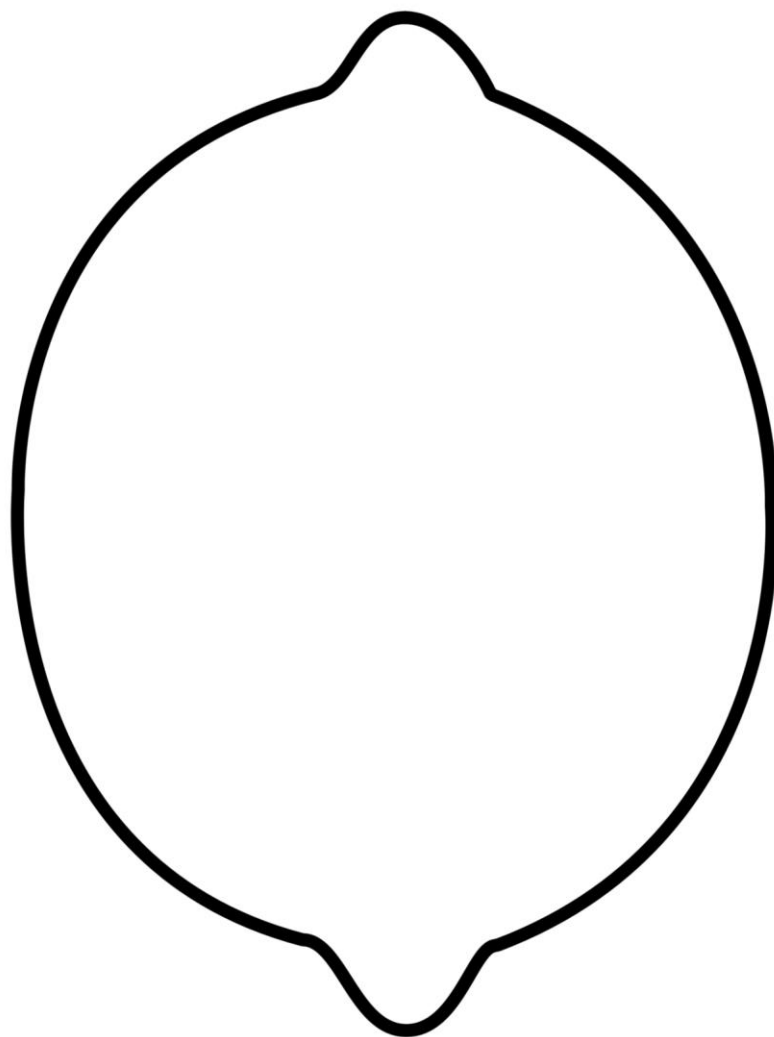


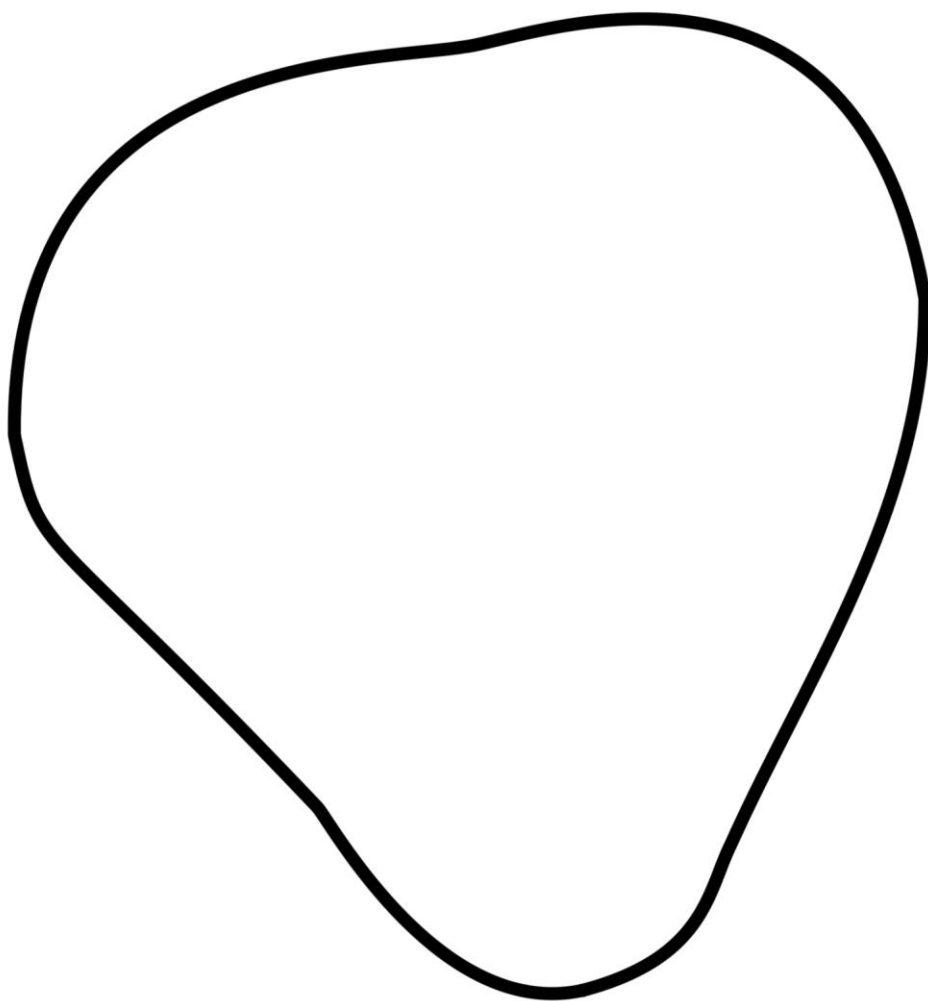


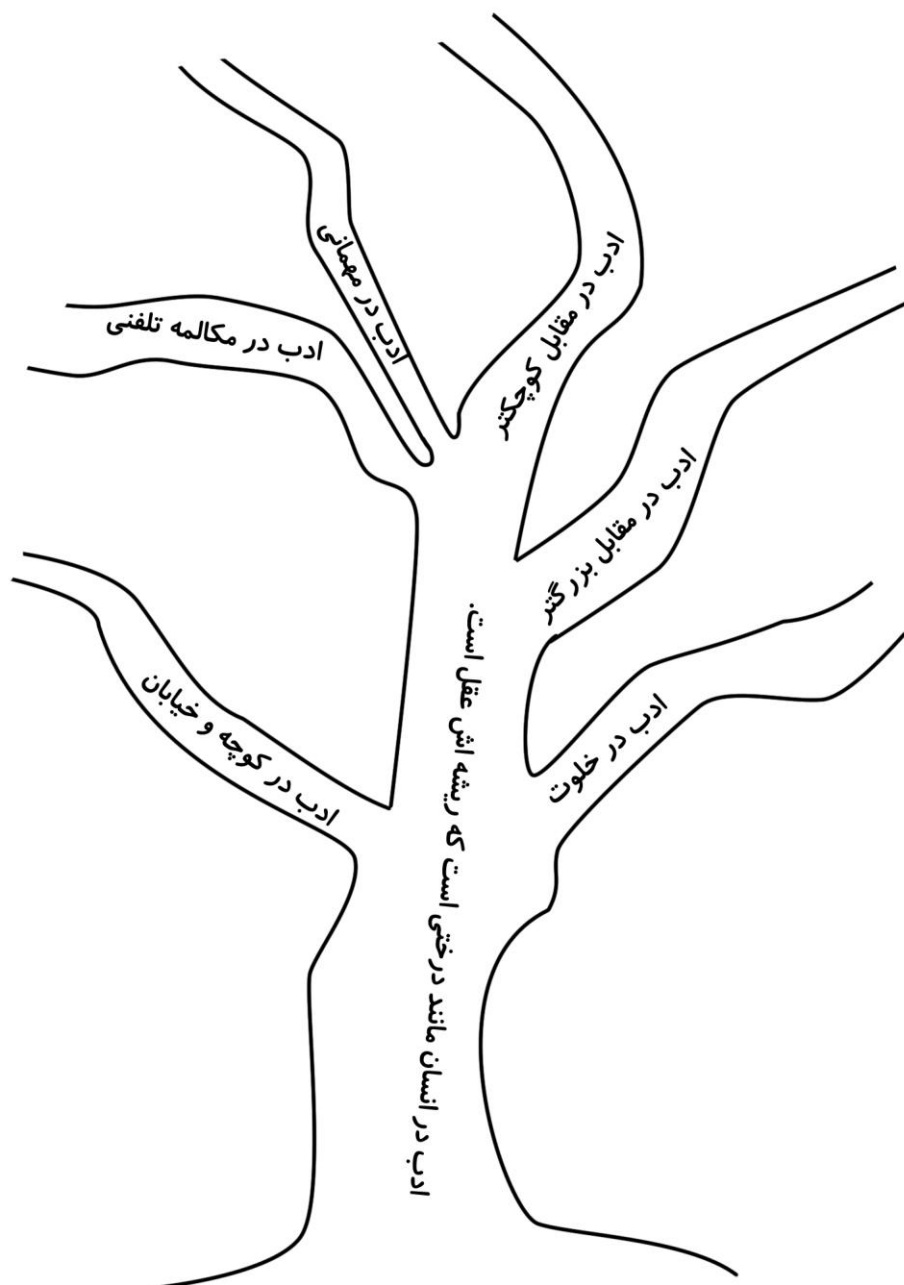












۱۰) نظرات کارشناسی مربی

مربی محترم، به منظور ارتقای کیفیت طرح درس‌ها و بهره‌مندی از نظرات کارشناسی جنابعالی خواهشمندیم با پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر ما را یاری فرمایید.

۱. این طرح درس را در چند جلسه اجرا کردید؟

.....

۲. آیا برای اجرای این طرح درس، به پیش‌نیازی هم احتیاج پیدا کردید؟

.....

۳. اهداف این طرح درس در کلاس شما تا چه حد محقق شده است؟

.....

۴. آیا قسمتی از طرح درس بوده که به نظر شما سنگین‌تر از سطح درک دانش‌آموزان بوده و نیاز به توضیح بیشتر داشته باشد؟

.....

۵. جای چه مطالبی را در این طرح درس خالی دیدید؟

.....

۶. چگونه میزان یادگیری دانش‌آموزان خود را مورد ارزیابی قرار دادید؟

.....

۷. آیا برای این درس کاربرگه جداگانه‌ای هم طراحی کردید؟ در صورت مثبت بودن پاسخ لطفاً نمونه آن را ضمیمه پرسشنامه کنید.

.....

۸. آیا قسمت منابع و دانش‌افزایی مربی در این طرح درس، اطلاعات مورد نیاز شما را تأمین کرد؟ چه کمبودهایی داشت؟

.....

۹. چه نکات دیگری به منظور بهبود کیفیت این طرح درس به نظر شما می‌رسد؟

.....

.....

.....

یادداشت

